

در جست‌وجوی تنظیم‌گری کتب درسی



سیدمحمدرضا دادگستر پژوهشگر اندیشه‌ده حکمرانی شریف

در تاریخ تنظیم‌گری آموزش در ایران همواره این پرسش مطرح بوده که آیا باید دولت تنها بازیگر فعال در تالیف و انتشار کتب درسی باشد یا باید بازار را هم درگیر ساخت؟ تجربیاتی از هر دو رویکرد وجود دارد.

مقدمه: چرا کتب‌های درسی مهمند؟

کتب‌های درسی از جمله عناصر محوری نظام‌های آموزشی هستند. باگسترش دوره‌های اجباری و رایگان آموزش ابتدایی و متوسطه در کشورهای مختلف جهان در راستای رفع هرچه بیشتر بی‌سوادی و کم‌سوادی، امروزه شمار بیشتری از کودکان و نوجوانان جهت گذراندن دوره تحصیلی از کتب‌های درسی استفاده می‌کنند. این کتب‌ها از یک سو آموزش‌های پایه‌ای زیستن در جوامع پیچیده مدرن را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند و قواعد زندگی در قامت یک شهروند سالم، نوآور و فعال را به آنها می‌آموزند و از سوی دیگر زمینه را برای ورود آنها به مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها در سال‌های آتی زندگی و کسب مشاغل با سطح مهارت و دستمزد بالاتر را فراهم می‌کنند. این دو کارویژه اساسی کتب‌های درسی که به ترتیب می‌توان آنها را «جامعه‌پذیری» و «توانمندسازی» نامید، باعث می‌شود تا فرآیند وضع ضوابط و مقررات تدوین و بازیگران درگیر در تدوین کتب‌های درسی اهمیت بسیاری پیدا کنند. طرفه آنکه اگر دانش‌آموزان از کتب‌های باکیفیت و به‌روزی بهره‌مند شوند که به نیازهای علمی آنها به‌گونه‌ای کارآمد و اثربخش پاسخ دهد، آمادگی بهتری در پذیرش نقش خود به‌عنوان یک شهروند خلاق دارند که از شغلی با درآمد و مزایای مخفی بهره‌مند است و کمتر احتمال درگیر شدن با آسیب‌های اجتماعی را دارد. البته کتب‌های درسی تنها یک جزء از نتیجه نهایی تلاش می‌دهند و دیگر اجزای نظام آموزشی (کیفیت مدارس، دانش و مهارت‌های معلمان، پیگیری و دغدغه‌مندی والدین و...) نیز در این امر خیلند.

با این حال چگونگی می‌توان از عملکرد بهینه کتب‌های درسی اطمینان حاصل کرد؟ چه چالش‌ها و موانعی بر سر راه تنظیم‌گری تدوین این کتب‌ها وجود دارد؟ سیاستگذاران از چه ابزارهایی برای حل این چالش‌ها بهره‌مند است؟ یادداشت حاضر قصد پرداختن به این پرسش‌ها از منظر ارائه پیشنهادها سیاستی به منظور بهبود وضعیت ایران در این حوزه را دارد.

پیشینه و سنت تاریخی تالیف کتب‌های درسی در ایران

ایران در زمره کشورهای است که دانش‌آموزان آن در نظام آموزشی متمرکز محتوای واحد تالیف شده توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی استفاده می‌کنند و فعالیت بخش خصوصی در این حوزه به تالیف کتب‌های کمک‌درسی و راهنمای آزمون‌ها محدود شده است. طبق پژوهش معتمدی (۱۳۹۱)، روند تاریخی تهیه کتب‌های دانش‌آموزان در کشور را می‌توان به شش دوره تقسیم‌بندی کرد.

(جدول پایین صفحه)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تنظیم‌گری تدوین محتوای آموزشی مدارس در ایران پیشینه‌ای در ابتدا غیرمتمرکز، سپس متمرکز، در ادامه دوره کوتاهی غیرمتمرکز و سرانجام از اواخر دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ به این سو متمرکز داشته است. صادقی و عسکرائی (۱۳۸۶) در پژوهش خود اشاره می‌کنند که تا پایان حکومت قاجارها و سال‌های اول دوران پهلوی، دولت نظارت بسیاری اندکی بر چگونگی تدوین کتب‌های درسی داشت و حتی پس از تدوین «قانون اساسی معارف»، تمامی مراکز آموزشی براساس ذوق و سلیقه خود، ابتکاری را برای تهیه کتب‌های درسی به خرج می‌دادند و ضابطه مشخصی برای یکسان‌سازی محتوای آموزشی در سراسر کشور وجود نداشت. این وضعیت با انتشار نخستین کتب‌های وزارت در سال ۱۳۰۸ دگرگون شد. معلمان دانش‌آموزان از این سری کتب‌ها و به صورت کلی الگوی متمرکز دولت‌محور، رضایت خاطر بیشتری داشتند؛ از آن رو که این کتب‌ها در مقایسه با کتب‌هایی که در نقاط مختلف کشور منتشر می‌شد از حیث محتوای آموزشی و مرغوبی چاپ و ارزشی قیمت مزایای آشکاری داشت و سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. دولت در ادامه از ابزار تنظیم‌گری به‌صورت مؤثرتری برای نظارت بر کتب درسی بهره‌برد که نقطه عطف آن ابلاغ پیشنهادنامه وزارت معارف در سال ۱۳۱۴ بود که به مدیران مدارس اخطار داد برای چاپ هرگونه کتب درسی باید از وزارت معارف مجوز بگیرند. با اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۳۰، گرفتاری‌های مالی دولت و وزارت فرهنگ مانع از آن شد تا کتب‌های درسی به شیوه‌ای مناسب چاپ و توزیع شود. در این شرایط ناشران گوناگون از وزارت فرهنگ آزادی چاپ کتب‌های درسی را تقاضا می‌کردند که در نهایت وزارت فرهنگ از دو وجه (سبک‌کردن بار فعالیت خود از یک‌سو و این تصور که ایجاد رقابت علمی و تجاری موجب بهبود و ارزانی کتب و خشنودی مردم خواهد شد)، با پیشنهاد ناشران موافقت کرد و تدوین و انتشار کتب درسی مدارس آزاد شد که وضعیت آشفته‌ای را به وجود آورد و در نهایت به فراگیر شدن این باور انجامید که غلبه ملاحظات تجاری در این بازار می‌تواند پیامدهای مخربی را به همراه داشته باشد. این شرایط نزدیک به ۲۰ سال ادامه داشت تا آنکه در بهمن ماه ۱۳۳۵ شورای عالی فرهنگ اساسنامه‌ای راجع به رسیدگی به قیمت کتب‌های درسی دبیرستان‌ها و چگونگی چاپ، صحافی و تعیین بهای آن صادر کرد و مقرر شد هر سال فهرست قیمت‌ها به وسیله وزارت فرهنگ اعلام شود. این روش اگرچه در نظر می‌توانست نظم و نسقی به بازار نامنظم کتب‌درسی دهد، در عمل چندان سودمند واقع نشد. دگرگونی واقعی این وضعیت متعاقب انتصاب دکتر پرویز ناتل خانلری به وزارت فرهنگ در سال ۱۳۴۱ رخ داد. خانلری که از دانشگاهیان شناخته شده بود، پس از مشاهده تنگناهای ناشی از تبانی ناشران معروف تهران، تصمیم به رفع مشکل گرفت. بر این اساس و با تصویب هیات وزیران در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۴۱، وزارت فرهنگ کار تالیف و چاپ کتب‌های درسی را برعهده گرفت و کتب‌های واحدی برای تمامی مراکز

آموزشی تدوین شد. این کار در مدت زمان کمتر از شش ماه به سرانجام رسید و با تشکیل «شرکت سهامی طبع و نشر کتب درسی» سرنوشته کتب‌های درسی در مسیر دیگری قرار گرفت که تا به امروز ادامه داشته و آن سیطره کامل دولت بر فرآیند تالیف، چاپ و توزیع کتب درسی بوده است. دکتر ناتل خانلری در جلسه مطبوعاتی به تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۴۲، ضمن برشمردن مشکلات فراوان اجرای این سیاست نظیر زد و بند ناشران، کمبود کاغذ، محدودیت وقت و مواردی که به هر حال روند این حرکت را کند می‌کرد، اعلام کرد که در اثر اتخاذ این تصمیم، مجموع بهای کتب‌های مصرفی سالانه دبیرستان‌های کشور از ۱۵ میلیون تومان به ۶ میلیون تومان تنزل یافته است.

طبق آنچه ذکر شد، از دهه ۱۳۴۰ شمسی به این سو، مراکز آموزشی مشارکت خود در تدوین کتب درسی را، که شاخص دوره اولیه تاسیس نظام آموزشی مدرن در ایران بود، از دست دادند و این الگو که به «چندتالیفی» شهرت داشت در سایه عملکرد نهاد واحد دولتی به حاشیه رفت. مقصودی (۱۳۹۴) به علل ذیل در پدیده آمدن این وضعیت اشاره دارد:

- اصطلاحات و تعبیرات غیریکسان در کتب‌های درسی مختلف
- نحوه گزینش و انتخاب مواد آموزشی توسط مدیران و مراکز آموزشی
- قیمت‌گذاری‌های کتب درسی
- نحوه تالیف کتب‌های درسی (توصیه‌ها، دوستی‌ها و...)
- نحوه توزیع کتب‌ها و تأخیر در ابتدای سال تحصیلی
- آموزش معلمان

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و نقش‌های آن در نظام حکمرانی

مهم‌ترین نهاد دولتی درگیر در تدوین، انتشار و توزیع کتب‌های درسی (در دو بخش کتب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری و کتب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش) در حال حاضر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. نقش این سازمان در حوزه کتب‌های درسی در سال‌های اخیر پررنگ‌تر هم شده است. پیشتر، عمده عملکرد سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در زمینه تالیف و انتشار کتب قابل‌بررسی بود و کتابفروشی‌ها بخش اعظم توزیع این کتب‌ها را برعهده داشتند. اما در چند سال اخیر با هدف رضایتمندی اولیا و دانش‌آموزان در تهیه کتب درسی و همچنین صرفه‌جویی در مصرف کاغذ، سازمان به صورت انحصاری بخش آنها را از طریق شیوه جدید با ثبت نام در سامانه فروش کتب درسی و توزیع از طرف مدرسه انجام می‌دهد. عملکرد سازمان در این زمینه مورد انتقاد بسیاری (از منظر توزیع نامتناسب و دیرهنگام میان استان‌ها، عدم دریافت کتب توسط دانش‌آموزان انتقالی به مدارس دیگر یا تغییر رشته‌ای، نیروی انسانی ناکافی در عملیات توزیع و...) واقع شده است (معافی، ۱۴۰۲). با این وجود، دغدغه یادداشت حاضر بیشتر مربوط به مرحله تالیف است و تلاش می‌شود از منظر نقش‌ها و کارکردهای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در نظام حکمرانی کشور به آن پرداخته شود.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در حال حاضر بیشتر کارکرد ارائه خدمت را در زمینه تدوین کتب‌های درسی، چاپ و فروش آنها به قیمت مصوب دولتی به دانش‌آموزان را برعهده دارد. سیاستگذاری کلان تالیف کتب درسی در ایران توسط اسناد بالادستی با محوریت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۹۰) و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) انجام می‌شود که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش و وزارت آموزش و پرورش رسیده‌اند و مبنای عمل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هستند. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، اصول ذیل را ناظر بر سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌های درسی و تربیتی از سطح ملی تا سطح مدرسه تعیین کرده است:

۱. مدبرین دوری، ۲. تقویت همت ملی، ۳. اعتبار نقش یادگیرنده، ۴. اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی)، ۵. اعتبار نقش پایه‌ای خانواده، ۶. جامعیت، ۷. توجه به تفاوت‌ها، ۸. تعادل، ۹. یادگیری مادام‌العمر، ۱۰. جلب مشارکت و تعامل، ۱۱. یکپارچگی و فراگیری. سند حاضر چهار جهت‌گیری کلی را در زمینه محتوای درسی تعیین کرده است:

۱- مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تربیتی و سازگار با آموزه‌های دینی و قرآنی، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از فرصت‌ها و تجربیات یادگیری است که زمینه‌شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و تعلیم یافتن عناصر و عرصه‌ها را به صورت پیوسته فراهم می‌آورد.

۲- دربرگیرنده مفاهیم و مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی مبتنی بر شایستگی‌های مورد انتظار از دانش‌آموزان است.

۳- برگرفته از یافته‌های علمی و معتبر بشری است.

۴- متناسب با نیازهای حال و آینده، علایق، ویژگی‌های روانشناختی دانش‌آموزان، انتظارات جامعه اسلامی و زمان آموزش است.

این برنامه همچنین بیانیه‌های حوزه تربیت و یادگیری که مشتمل بر ضرورت و کارکرد حوزه، قلمرو حوزه و جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه است را در این حوزه‌ها مشخص کرده است: حکمت و معارف اسلامی؛ قرآن و عربی؛ زبان و ادبیات فارسی؛ فرهنگ و هنر؛ سلامت و تربیت بدنی؛ کار و فناوری؛ علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛ ریاضیات؛ علوم تجربی؛ زبان‌های خارجی؛ آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده.

موضوع‌گیری برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در مورد تالیف کتب درسی در بند سوم ماده ۱۲ این سند، ماده «سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری»، ذکر شده است:

«در طراحی و تولید مواد و رسانه‌های یادگیری و در راستای تحقق رویکرد برنامه درسی ملی، سیاست‌های زیر مورد تأکید است:

۱- توسعه سیاست چندتالیفی و زمینه‌سازی برای مشارکت فعال استان‌ها، معلمان، مربیان، افراد و تشکل‌های ذی‌علاقه و ذی‌صلاح با تأکید بر بخش غیردولتی در تولید، تکمیل و غنی‌سازی مواد، منابع و مراکز متنوع یادگیری در چهارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش.

بند فوق بیانگر آن است که پایه قانونی مورد نیاز در راستای تمرکززدایی از تالیف کتب درسی وجود دارد و سیاستگذاران مایل است نوعی رویکرد مشارکتی در این حوزه حاکم باشد. با این حال پس از گذشت بیش از یک دهه از تصویب برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از نقش ارائه خدمت به سمت نقش تنظیم‌گر و تسهیلگر خلق فضای مشارکتی گذار نکرد، بلکه حتی در مرحله توزیع کتب درسی نیز امکان فعالیت را از بخش خصوصی سلب کرد و فضایی انحصاری به وجود آورد. واقعیت عرصه آموزشی کشور بیانگر آن است که در طول یک دهه گذشته بخش خصوصی در زمینه تولید محتوای کمک‌آموزشی توسعه چشمگیری را تجربه کرد اما نتوانست در تالیف کتب‌های درسی نقش مؤثری ایفا کند. چنین واقعیتی برای نهادهای مدنی نیز صادق است.

جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی

سنت تاریخی بیش از ۱۰۰ ساله تالیف کتب درسی در کشور بیانگر آن است که در دو موقعیت تاریخی (بازه زمانی پیش از تاسیس دولت مدرن و وزارت معارف در دهه نخست سده چهاردهم شمسی و بازه زمانی پس از اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۳۰ و تاسیس سازمان کتب درسی ایران در سال ۱۳۴۲) رویکرد متکثر، غیردولتی و تمرکزگرا در زمینه تالیف و انتشار کتب درسی در ایران به وجود آمد. در هر دو تجربه تاریخی، این امر در نتیجه غیبت یا ضعف دولت مرکزی به وقوع پیوست و حالتی غیرانتخابی داشت. محصل این رویکرد نیز در نهایت

نتوانست انتظاری نفعان حوزه آموزش (سیاستگذاران، مدیران مدارس، معلمان، دانش‌آموزان، والدین و...) را برآورده سازد. در نتیجه نوعی بدبینی و مقاومت نسبت به ورود بخش خصوصی در این حوزه حاکم شد و خود را در دهه‌های بعد بازتولید کرد. با توجه به اهمیت بیشتر ارزش‌هایی نظیر عدالت و برابری در دسترسی دانش‌آموزان به کتب باکیفیت نیز این ملاحظه تا حدی پذیرفتنی به نظر می‌رسد. البته روندی که در حوزه آموزش غیردولتی در ایران، به ویژه از دهه ۱۳۷۰ شکل گرفت، مبین آن است که نیاز برخی از اقشار به آموزش بیشتر و تمایل آنها جهت تأمین هزینه مورد نیاز محتوای درسی این کار، باعث شد تا ظرفیت بخش خصوصی در حوزه محتوای کمک‌درسی بالفعل شود و نابرابری در حوزه آموزشی خود را به صورت دیگری بازتولید کند. دیگر واقعیت موجود، چالش‌های انحصار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در تدوین کتب درسی است که خود را در سند بالادستی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران و اعلام ترجیح سیاستگذار به‌گذار و رویکرد چندتالیفی در آن بازتاب می‌دهد. بر این اساس ضرورت دارد تا ضمن توجه به شکست‌ها و ناکامی‌های تجربه تاریخی تمرکززدایی از تالیف کتب درسی، شرایط متحول آموزش ابتدایی و متوسطه، نیازهای دانش‌آموزان و نوآوری‌های آموزشی در جهان، زمینه برای گذار به رویکرد چندتالیفی فراهم شود. توصیه‌های سیاستی ذیل در این راستا ارائه می‌شود:

۱- افزایش دانش سازمانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در مورد ایفای کارکرد تنظیم‌گری در عرصه تالیف کتب درسی با طراحی راهبردهای تنظیم‌گری مبتنی بر برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران و مطالعه تجربیات موفق جهانی در این حوزه.

۲- برگزاری جلسات اندیشه‌ی با ناشران آموزشی و نهادهای مدنی حوزه آموزش و طراحی راهبرد توسعه‌ویکر در کشور با تکیه بر تعیین استانداردهای هماهنگ و رعایت مستمر آنها از سوی ناشران.

۳- اجرای طرح‌های پایلوت استفاده از کتب ناشران خصوصی در مدارس و ارزیابی مقایسه‌ای نتایج آن با مدارس استفاده‌کننده از کتب سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

۴- دخیل ساختن کتابفروشی‌ها در عملیات توزیع کتب درسی و رفع انحصار از این حوزه.

۵- بیرون‌سپاری تالیف کتب درسی در روس با کارکرد «توانمندسازی» مهارت‌های دانش‌آموزان و اکتفا به تالیف کتب در روس با کارکرد «جامعه‌پذیری» دانش‌آموزان.

منابع

- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی
- صادقی، مقصودعلی، عسکرائی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «درآمدی تاریخی بر روند تدوین و چاپ نخستین کتب‌های درسی»، مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره پنجاهم، پاییز ۱۳۸۶، صص ۷۱-۸۹.
- معافی، علیرضا (۱۴۰۲)، «باگذشت ۲۰ روز برخی دانش‌آموزان هنوز کتب ندارند»، روزنامه شرق، ۲۲ مهر ۱۴۰۲.
- معتمدی، اسفندیار (۱۳۹۱)، «بررسی تاریخ تحولات کتب‌های درسی مدارس در ایران (۱۳۹۰-۱۳۳۰ ه.ش)»، فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۳۱-۱۱۱.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۴)، «چندتالیفی: تاریخچه برنامه‌ریزی و تالیف کتب‌های درسی در ایران»، مجله رشد جوانه، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۹۴، صص ۴۵-۴۰.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۱)، برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

ردیف	دوره زمانی	بازیگر/بازیگران فعال در تالیف کتب درسی	ویژگی‌های تدوین کتب‌های درسی در دوره
۱	تاسیس دارالفنون در ۱۲۴۸ ه. ق/ تاسیس نخستین مدارس ابتدایی و متوسطه مدرن	معلمان دارالفنون مترجمان و فارغ‌التحصیلان دارالفنون	تالیف توسط معلمان دارالفنون به تعداد محدود برای دانش‌آموزان این مدرسه و چاپ توسط چاپخانه سنگی دارالفنون
۲	تاسیس مدرسه رشدیه در ۱۲۷۶ ه. ش/ تدوین قانون اساسی معارف در ۱۲۹۰ ه. ش	موسسان، معلمان و مدیران مدارس جدید	تالیف کتب به صورت غیرمتمرکز توسط نخبان آموزشی، فرهنگی و سیاسی/اثرگذاری انجمن معارف در همسان‌سازی تقریبی کتب
۳	تدوین قانون اساسی معارف در ۱۲۹۰ ه. ش/ اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ ه. ش	وزارت معارف	تدوین نخستین برنامه یکسان توسط شورای عالی معارف در سال ۱۲۹۵/ تالیف متمرکز کتب درسی ابتدایی از ۱۳۰۶ توسط وزارت معارف
۴	اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ ه. ش/ تاسیس سازمان کتب‌های درسی ایران در سال ۱۳۴۲ ه. ش	دبیران، اساتید و ناشران	افول دولت مرکزی/ آزادسازی تالیف و انتشار کتب‌های درسی/ وقوع آشفته‌گی در بازار کتب درسی و کاهش کیفیت آنها (نواقص در محتوای کتب‌ها، تنوع بیش از حد لزوم، گرانی بها، بی‌نظمی در چاپ و توزیع)
۵	تاسیس سازمان کتب‌های درسی ایران در سال ۱۳۴۲ ه. ش/ تعطیلی سازمان کتب‌های درسی ایران و تاسیس سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی در سال ۱۳۵۵ ه. ش (و پس از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)	سازمان کتب‌های درسی ایران	تغییر کلی نظام آموزش و پرورش/ نیاز به تدوین کتب درسی متنوع/ نوآوری در برنامه‌ریزی و تهیه کتب درسی/ ناتوانی در دستیابی به اهداف اصلاحات انجام‌شده و عدم برتری آشکار دانش‌آموزان نظام جدید نسبت به دانش‌آموزان نظام قدیم
۶	تاسیس سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی در سال ۱۳۵۵ ه. ش (و پس از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)/ اکنون	سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)	تدوین کتب درسی متناسب با برنامه‌ها و اصلاحات وزارت آموزش و پرورش در هر دوره به صورت متمرکز و تأمین آن برای همه دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی و متوسطه